

الزامات بخش کشاورزی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی (آموزه‌هایی برای کارگزاران ترویج و توسعه کشاورزی)

شهلا چوپچیان* دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران
سیداحمدرضا پیش‌بین - عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده

جهانی شدن واقعیتی است که پیش روی جهانیان قرار دارد و فرصت بازیگری در این عرصه برای همه جوامع باز است. در این میدان هم فرصت فراوان است و هم خطر. هر جامعه‌ای که توانایی به خدمت گرفتن ابزارهای موجود و استعدادهای بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی داشته باشد و شیوه بکارگیری آن را در رابطه با دیگر کشورها به گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیستم بداند، قابلیت بازیگری موفقیت‌آمیز در این میدان را خواهد داشت. یکی از مسائل قابل توجه در این زمینه، روند الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌باشد. عضویت در هیچ یک از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی پیچیده، مشکل، زمان‌بر و مستلزم طی مراحل متعدد الحاق نیست و این صعوبت و طولانی بودن الحاق به سازمان مذکور از این واقعیت ناشی می‌گردد که عضویت در سازمان تجارت جهانی تنها برخوردار شدن از یک کرسی و حق رأی نیست. بلکه به منزله دسترسی مطمئن و پایدار به بازار اعضای این سازمان نیز به شمار می‌رود و لذا دسترسی عضو جدید به بازار این کشورها به این سادگی‌ها مقدور نیست و مستلزم پذیرش تعهدات متعددی است که طی فرایند الحاق باید عملی گردد. در فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی، گروه کاری مسئول بررسی الحاق هر کشور، دو خواسته اساسی از کشور متقاضی دارند: ۱- گشایش میزانی از بازار کالا و خدمات به روی واردات کالا و خدمات سایر اعضای این سازمان ۲- انطباق با قوانین و مقررات مندرج در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی. بخش کشاورزی نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید خود را برای انطباق با قوانین و مقررات مورد نظر در سازمان مذکور آماده نماید. حال برای این که شرایط ورود به سازمان تجارت جهانی تسهیل گردد باید بینشی عمیق نسبت به الزامات بخش کشاورزی برای ورود به این سازمان داشته باشیم تا با آگاهی از این الزامات و حرکت در جهت تحقیق آنها مسیر پرپیچ و خم الحاق را ساده تر طی نماییم. در مقاله

حاضر سعی شده است تا الزامات بخش کشاورزی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی بیان گردیده و در پایان نیز راهکارهایی مختصر در ارتباط با وضعیت کنونی ایران ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، بخش کشاورزی، سازمان تجارت جهانی، الزامات.

مقدمه

کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به دو کتابی برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۰، منتشر شد. نخست، جنگ و صلح در دهکده جهانی، تألیف مارشال مک لوهان و کتاب دوم، نوشته برژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود. مباحث اول، حول پیشرفت وسایل ارتباطی و نقش آن در تبدیل جهان به دهکده واحد جهانی متمرکز بود. در حالی که کتاب دوم در مورد نقش آمریکا در رهبری جهان و ارائه نمونه جامعه مدرنیسم، صحبت می‌کرد (مالک، ۱۳۸۴). واژه‌ها گاهی به جهانی شدن و زمانی به جهانی سازی ترجمه می‌کنند. با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو عبارت از نظر بار معنایی با هم تفاوت دارند. در برگردان اول یعنی، جهانی شدن، القای نوعی اراده و اختیار مورد نظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی شدن واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره‌ای ندارد جز این که خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و با طیب خاطر و اراده آزاد به مقتضیات آن گردن نهد. در برگردان دوم یعنی جهانی سازی، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن این که، جهانی سازی طرحی است که توسط کشورهای قدرتمند و ثروتمند دنیا و در رأس آنها آمریکا، تدوین شده و منظور از آن ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است. آمریکا از مدت‌ها قبل از فروپاشی شوروی سودای رهبری دنیا و دستیابی بیشتر به منابع کشورهای دیگر به ویژه کشورهای جهان سوم را در سر داشته است (اسماعیلی، ۱۳۸۴). جهانی شدن چه ضرورتی خودجوش باشد و چه طرحی برنامه‌ریزی شده و تحمیلی، واقعیتی است که پیش روی جهانیان قرار دارد و فرصت بازیگری در این عرصه برای همه جوامع باز است. در این میدان هم فرصت فراوان است و هم خطر. هر جامعه که توانایی به خدمت گرفتن ابزارهای موجود و استعدادهای بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی داشته باشد و شیوه به‌کارگیری آن را در رابطه با دیگر کشورها به گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیست و یکم بداند، قابلیت بازیگری موفقیت‌آمیز در این میدان را خواهد داشت.

تعریف جهانی شدن

جهانی شدن، واژه‌ای رایج در دهه ۹۰ بوده است که به عنوان روندی از دگرگونی که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر رفته و علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز دربرمی‌گیرد استفاده می‌شود. جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی و قابل تسری به جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری و همچنین عرصه‌های دیگری چون محیط زیست است. «مک‌گرو» می‌گوید: جهانی شدن عبارتست از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرآیندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد. از نظر «گیدنز» جهانی شدن این‌گونه تعریف می‌شود: تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که رخدادهای هر محل، زاده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندد (مالک، ۱۳۸۴).

اهداف و اصول سازمان تجارت جهانی

اهداف اصلی سازمان تجارت جهانی (WTO) همان اهداف موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) است: ارتقای سطح زندگی، تأمین اشتغال کامل در کشورهای عضو و توسعه تولید و تجارت و بهروری بهینه از منابع جهانی، دستیابی به توسعه پایدار با توجه به بهره‌برداری بهینه از منابع جهانی، حفظ محیط‌زیست به طوری که با سطوح مختلف توسعه اقتصادی جوامع سازگاری داشته باشد و افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین‌المللی، جزو هدف‌های اصلی سازمان تجارت جهانی است. متناسب با همین اهداف، سازمان تجارت جهانی به مدیریت و تسهیل عملیات اجرایی و توسعه اهداف موافقتنامه سازمان تجارت جهانی و تهیه چارچوب لازم برای اجرای مدیریت موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه می‌پردازد. همچنین نقش فراهم کردن امکانات گردهمایی اعضا برای مذاکره و مشورت در زمینه روابط چندجانبه تجاری و اجرا و تدوین مقررات مربوط به روش‌های حل اختلاف میان اعضا را برعهده دارد. سازمان تجارت جهانی همچنین موظف است نظام بررسی و تجدیدنظر در سیاست‌های تجاری را برقرار ساخته، با سازمان‌ها و تشکیلات اقتصادی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همکاری داشته باشد. اصول سازمان تجارت جهانی با کمی تفاوت همانند اصول مندرج در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت است. به طور کلی سازمان تجارت جهانی بر چند اصل مهم مبتنی است (اسفندیاری، ۱۳۸۴):

۱- عدم تبعیض؛ طبق این اصل هرگونه امتیاز بازرگانی یا تعرفه‌ای که از سوی یک کشور

نسبت به هر کشور عضو اعمال می‌شود، به تمام شرکای تجاری عضو، قابل تعمیم است. تنها استثنای این اصل در مورد همگرایی اقتصادی همانند اتحادیه‌های گمرکی بین چند کشور است؛

۲- استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده، حمایت از صنایع داخلی فقط از طریق تعرفه‌های گمرکی شفاف امکان‌پذیر است؛

۳- کاهش تدریجی و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مگر در مورد محصولات کشاورزی کشورهایی که با مشکلاتی در پرداخت‌ها مواجه هستند؛

۴- برقراری نظام تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی از فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه، به منظور ساده‌سازی رقابت محصولات این کشورها با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی؛

۵- هرگونه عمل کشورهای عضو که جنبه فروش زیر قیمت تمام شده داشته باشد ممنوع است؛

۶- هرگونه رفتار با کالای وارداتی که متفاوت با رفتار کالاهای ساخت داخل باشد توسط کشورهای عضو ممنوع است؛

۷- انجام مشورت در مورد سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره.

مراحل عمومی پیوستن به سازمان تجارت جهانی

فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی، فرایندی طولانی و چندمرحله‌ای است که هر مرحله از آن الزامات و شرایط خاص خود را می‌طلبد. کشوری که خواهان عضویت در این سازمان است، ابتدا باید تقاضای عضویت خود را به وسیله دبیر کل سازمان به اطلاع سایر اعضا برساند. پس از طرح تقاضای این کشور در جلسه شورا و به مجرد این که درخواست وی مبنی بر عضویت پذیرفته شود، یک گروه کاری جهت رسیدگی به تقاضای عضویت کشور متقاضی تشکیل شده و این کشور، گزارشی از سیاست‌های تجاری خود تهیه و به این گروه ارائه می‌دهد. همزمان با اقدامات پیش‌گفته، مذاکرات دوجانبه و چندجانبه‌ای به منظور تعیین شرایط عضویت و حصول توافق میان گروه‌های کاری صورت می‌گیرد. سپس تنظیم پروتکل الحاق کشور، و مشخص شدن تعهدات هر کشور در زمینه گشایش بازار کالا و خدمات خود به روی سایر اعضا انجام می‌گیرد. در واقع مرحله اول یعنی مذاکرات، آغاز فرایندی است که در نهایت به عقد موافقتنامه میان دولت متقاضی و سازمان منجر می‌شود. تمامی مواد و بندهای این قرارداد نیز طی مذاکره و براساس توافق تعیین می‌شود. این مرحله در سازمان تجارت جهانی به مرحله

اثبات واجد شرایط بودن موسوم است و به مجموعه اطلاعاتی مربوط می شود که هر کشور (متقاضی عضویت) باید تهیه کند و در اختیار گروه کاری قرار دهد و به طور عمده شامل گزارش سیاست تجاری، پرسش ها و پاسخ های کتبی مربوط به این گزارش و اسناد و قوانین مورد نیاز است. نتیجه تلاش های گروه های کاری به تهیه مجموعه اسنادی منجر خواهد شد که شامل گزارش گروه کاری، پروتکل الحاق و جدول تعهدات دسترسی به بازار کشور در مورد کالاها و خدمات است. جدول مذکور توسط دبیرخانه سازمان تهیه می شود. مرحله آخر، مجموعه ای است که برای تصویب به شورای عمومی تسلیم می شود؛ رأی گیری در جلسه شورا باید انجام گیرد و عضویت کشور متقاضی منوط به کسب دوسوم آراست. یک ماه پس از تصویب پروتکل توسط پارلمان کشور متقاضی، عضویت به مرحله اجرا در می آید (اسفندیاری، ۱۳۸۴).

الزامات بخش کشاورزی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی

۱- ایجاد بهبود در شرایط دسترسی به بازار

«فرصت های دسترسی به بازار» به مجموعه تعهداتی اطلاق می شود که با استفاده از سیستم سهمیه های تعرفه ای، واردات کالاهایی را که قبلاً تحت حمایت اقدامات غیرتعرفه ای بودند، تشویق می کند.

از میان نه کشوری که اخیراً ملحق شده اند، اکوادور، بلغارستان، پاناما و لتونی مشمول اعطای فرصت های دسترسی به بازار بوده اند. کشور در حال الحاق در مذاکرات دوجانبه با اعضای ذی نفع سازمان جهانی تجارت در صورتی که این اعضا صادرکنندگان با سابقه به کشور مزبور باشند. باید انتظار این را داشته باشد که از او درخواست تخصیص سهمیه تعرفه ای کشوری تحت عنوان فرصت های دسترسی جاری بنمایند. دیگر درخواستها ممکن است مربوط به نرخ تعرفه سهمیه ای و شفافیت در اجرای آنها باشد. این درخواستها به طور مستقیم منعکس کننده نگرانی های موجود در ارتباط با عدم استفاده کامل از سهمیه می باشد که بین اعضای سازمان جهانی تجارت در مرحله بازنگری اجرای موافقتنامه کشاورزی مورد بحث قرار گرفته است. در دوره ۹۷-۱۹۹۵ حدود ۱/۳ از کل سهمیه های تعرفه ای بلااستفاده مانده و وارداتی در قبال آنها صورت نگرفته است. تخصیص دوجانبه سهمیه ها نقطه اصلی و مرکزی مذاکرات دوجانبه در موارد الحاقی در گذشته بوده است. بعضی از اعضا نه تنها خواهان تخصیص بخشی از سهمیه به آنها هستند، بلکه در طول دوره اجرا تقاضای افزایش سهمیه مزبور را دارند. در حالی که موافقتنامه کشاورزی صحبتی از افزایش دسترسی «جاری» نکرده است. به همین ترتیب، ممکن است از کشور متقاضی الحاق درخواست تخصیص سهمیه کشوری در موارد تحت شمول «حداقل دسترسی» شود. باید توجه داشت که سهمیه های مربوط به حداقل دسترسی دست کم از لحاظ نظری سهمیه هایی جهانی هستند و باید همه کشورها بدون هیچ تبعیض امکان برخوردار از آنها را داشته باشند (بینات، ۱۳۸۱).

۲- تعرفه‌ای کردن (تبدیل موارد غیرتعرفه‌ای به تعرفه)

طبق موافقتنامه کشاورزی، اعضا مکلفند که تمامی موارد غیرتعرفه‌ای را به تعرفه تبدیل نموده (تعرفه‌ای کردن) و از اتخاذ هرگونه اقدام غیرتعرفه‌ای در آینده خودداری کنند. از کشور در حال الحاق انتظار می‌رود در تاریخ الحاق، خود را با مقررات این موافقتنامه تطبیق داده و به جز مواردی که با معیارهای مندرج در ضمیمه پنج موافقتنامه کشاورزی در خصوص «رفتار ویژه» همخوانی دارد، نسبت به حذف کلیه اقدامات غیرتعرفه‌ای اقدام نموده باشد. طی دور اروگوئه، اعضای سازمان جهانی تجارت بر طبق فرمول توافق شده تعرفه‌ای کردن، اقدامات غیرتعرفه‌ای خود را به تعرفه تبدیل نمودند.

معادل تعرفه‌ای یک اقدام غیرتعرفه‌ای براساس تناسب ذیل معین می‌شود:

$$\text{معادل تعرفه‌ای} = \frac{(\text{قیمت خارجی}) - (\text{قیمت داخلی})}{(\text{قیمت خارجی})}$$

در این فرمول معادل‌های ارزشی برای اقدامات غیرتعرفه‌ای در نظر گرفته شده که از تفاوت بین قیمت داخلی و قیمت خارجی یک کالا یا محصول تقسیم بر قیمت خارجی کالا یا محصول به دست می‌آید (بینات، ۱۳۸۱).

۳- نرخ تعرفه

نرخ تعرفه در خصوص تک تک کالاها باید مورد مذاکره قرار گیرد و چنانچه توجیه منطقی و اقتصادی قابل قبولی ارائه شود می‌توان نرخ تعرفه معینی را برای حمایت از صنعتی خاص حفظ کرد اما افزایش بعدی منوط به موافقت دیگر اعضای سازمان خواهد بود. با توجه به این که نرخ‌های سود بازرگانی در قالب نظام تک نرخ ارز کاهش‌های قابل توجهی یافته‌اند، قطعاً موضوع سطح نرخ‌ها مشکلی را در راه عضویت در سازمان تجارت جهانی ایجاد نخواهد کرد و امروزه ایران دارای یکی از پایین‌ترین سطح نرخ‌های تعرفه گمرکی در میان کشورهای در حال توسعه است و به احتمال زیاد در خلال مذاکرات با سازمان تجارت جهانی و اعضای آن نرخ‌های پایین‌تری به ایران تحمیل نخواهد شد. به‌طور کلی عوارض وارداتی ایران به سبب جنبه‌های حمایتی و مالی آنها حائز اهمیت می‌باشند. عوارض بازرگانی که نوعی مالیات غیرمستقیم به شمار می‌روند در نظام بازرگانی خارجی ایران هم از نقطه نظر حمایت از صنایع و نیز ممانعت از

۱. عبارتست از اقداماتی نظیر برقراری سهمیه‌ها، سیستم‌های صدور مجوز برای واردات، مقررات بهداشتی، استانداردها، ممنوعیت‌ها و

ورود و مصرف کالاها و هم به علت کسب در آمد برای دولت واجد اهمیتند. طبق مقررات سازمان، تعرفه‌های گمرکی تنها ابزار قانونی حمایت از صنایع محسوب می‌شوند. اما دولت این حمایت‌ها را نه تنها از طریق عوارض گمرکی بلکه بیشتر به واسطه اعطاء سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم، و تخصیص ارز به بخش‌های اولویت‌دار اعمال می‌دارد. به طور کلی در نظام تجاری ایران علاوه بر تعرفه گمرکی که از طرف گات به عنوان تعرفه‌های گمرکی پذیرفته شده است از موانع غیرتعرفه‌ای که مورد پذیرش آن سازمان نیست به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود که ایران باید خود را برای پایبندی به موارد مذکور آماده نماید (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴).

۴- کاهش اساسی در حمایت‌های داخلی

سیاست‌های مربوط به حمایت داخلی، مهم‌ترین دلیل استفاده مداوم کشورها از موانع غیرتعرفه‌ای و یارانه‌های صادراتی در دوره قبل از اروگوئه است. به عنوان مثال، به منظور حفظ قیمت‌های بالای داخلی در مقابل واردات ارزان قیمت، با هدف اطمینان از مؤثر بودن اقدامات حمایت مربوط به محصولات کشاورزی داخلی، کنترل مقداری واردات صورت می‌گیرد. موافقتنامه کشاورزی هر نوع اقدامات مربوط به حمایت داخلی را محدود نمی‌کند. تعهدات کاهش حمایت فقط شامل آن دسته از اقداماتی است که باعث انحراف تجارت می‌شوند. مثلاً آن اقداماتی که با تحریک قیمت داخلی باعث می‌شوند تا سطح قیمت‌های داخلی از قیمت‌های جهانی فاصله بگیرد. بنابراین نخستین گام برای تهیه جدول تعهدات حمایتی این است که اقدامات حمایتی فعلی کشورها به دو دسته تقسیم شود. یک گروه که از تعهدات مربوط به کاهش حمایت‌ها مستثنی است و گروه دیگر که مشمول تعهدات مربوط به کاهش حمایت‌هاست. اقدامات مستثنی از تعهدات مربوط به کاهش در چهار گروه زیر قرار می‌گیرد: اقدامات جعبه سبز، اقدامات جعبه آبی، اقدامات توسعه و اقداماتی که در محدوده حداقل معاف از کاهش قرار می‌گیرد. اقداماتی که در چهار گروه بالا قرار نمی‌گیرند، در گروه جعبه زرد قرار داده می‌شوند و باید با معیار میزان کل حمایت در دوره پایه اندازه‌گیری شوند. سقف تثبیت سالانه مربوط به هزینه اقدامات جعبه زرد از میزان کل حمایت دوره پایه اندازه‌گیری می‌شود و هیچ کشوری نمی‌تواند از محدوده میزان تثبیت شده سالانه خود فراتر رود. در خلال دور اروگوئه، بسیاری از کشورهای در حال توسعه میزان کل حمایت سال پایه خود را عمداً کمتر از واقع گزارش نمودند. به نظر می‌رسد این تمایل بین کشورهای که در جریان مذاکرات عضویت هستند هم به وجود آمده است. بسیاری از این کشورها در یادداشت رژیم تجاری گزارش می‌کنند که حمایت داخلی از نوع اقدامات مربوط به جعبه زرد یا به پایان رسانده‌اند و یا این که در چند سال آینده به پایان خواهند رساند. هدف بلندمدت از وضع تعهدات مربوط به حمایت داخلی این است که کشورهای عضو به تدریج از اقدامات حمایتی منحرف‌کننده تجارت به سوی اقدامات مربوط به جعبه سبز حرکت کنند، اقداماتی که یا اثرات انحرافی در تجارت ندارند و یا دارای کمترین اثرات منحرف‌کننده تجارت بر روی تولید هستند. یکی از

نگرانی‌هایی که در رابطه با کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذار مطرح است، ارتباط اقدامات جعبه سبز با شرایط واقعی بخش کشاورزی این کشورهاست (بینات، ۱۳۸۱).

۵- تعهدات مربوط به یارانه‌های صادراتی

مقررات مربوط به یارانه‌های صادراتی در موافقتنامه کشاورزی یکی از مواردی است که به روشنی تفاوت بین قوانین سازمان جهانی تجارت در مورد محصولات کشاورزی و محصولات غیرکشاورزی را مشخص می‌کند. استفاده از یارانه‌های صادراتی یکی از دستاوردهای مهم موافقتنامه کشاورزی تلقی می‌شود. با توجه به موافقتنامه کشاورزی، اعضا متعهد می‌شوند که یارانه‌های صادراتی خود را بالاتر از کل سطح یارانه‌ای که در جداول تعهدات مربوط به کاهش حمایت‌های این کشورها آمده است، قرار ندهند و همچنین متعهد می‌شوند که یارانه‌های صادراتی جدیدی را که در جداول تعهدات آنجا جایگاهی ندارند، معرفی نکنند. با توجه به میزان یارانه‌های صادراتی که فعلاً استفاده می‌شود، میزان یارانه‌هایی که توسط اعضای سازمان جهانی تجارت به طور متوسط تا سال ۲۰۰۰ استفاده شد، فاصله زیادی با سطح تعهدات این کشورها داشت. با وجود این، سقوط قیمت کالاهای کشاورزی به دنبال بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ باعث افزایش قابل توجه در استفاده از یارانه‌های صادرات توسط کشورهای تأمین‌کننده این یارانه‌ها شد. تعهدات مربوط به کاهش یارانه‌های صادراتی، اصلی‌ترین موضوع مورد مناقشه اعضای سازمان جهانی تجارت بوده است، خصوصاً با توجه به این مطلب که می‌خواستند دستور کار مذاکرات جدید کشاورزی را تنظیم کنند. کشورهای صادرکننده کالاهای کشاورزی به ویژه کشورهای گروه کرنز (Cairns) برای حذف کامل یارانه‌های صادراتی به عنوان یکی از اهداف مذاکرات جدید اصرار می‌ورزیدند و طبیعت انحراف‌زایی بالای این یارانه‌ها را که توسط چند کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، گوشزد می‌کردند. این نظر توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه که صادرات مشمول یارانه‌های سایر کشورها، جایگزین کالاهای داخلی آنها در بازار داخلی و منطقه ایشان شده، تأیید شده است. در این رابطه هر کشور در حال الحاقی که بخواهد استفاده از یارانه‌های صادراتی خود را ادامه دهد، به احتمال زیاد با اعتراض و مخالفت بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت روبه‌رو می‌شود.

۶- برنامه‌های مربوط به نظارت بر اعتبارات، ضمانت‌ها و بیمه صادراتی

بند دوم ماده ۱۰ موافقتنامه کشاورزی می‌گوید که اعضای سازمان قبل از پایان دوره اجرا باید «برای توسعه نظامات مورد توافق بین‌المللی برای نظارت بر تأمین اعتبارات صادراتی، برنامه‌های مربوط به ضمانت‌ها یا بیمه‌های صادراتی تلاش کنند». این ماده در موافقتنامه کشاورزی با این هدف گنجانده شد تا اعضا را مطمئن سازد که برنامه‌های اعتبارات صادراتی (مثلاً اعطای اعتبارات به خریداران خارجی از طریق تأمین ضمانت‌های اعتباری صادراتی یا

بیمه و یا اعطای وام به صادرکنندگان با شرایط خاص امتیازی) نباید به نحوی باشد که کاهش مربوط به یارانه‌های صادراتی توافق شده در دور اروگوئه را جبران کند. با وجود این، هیچ موافقتنامه و توافقی درباره نظامات ممکن برای برنامه‌های اعتبارات صادراتی، تضمین صادراتی و بیمه تاکنون انجام نشده است (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴).

۷- از بین بردن ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی

ماده ۱۲ موافقتنامه کشاورزی (نظامات مربوط به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی) توافق ذیل ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ را مبنی بر این که استفاده از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی غیرقانونی است، را تأیید می‌کند مگر آن مواردی که به طور موقت برای جلوگیری یا از بین بردن کمبودهای شدید منابع غذایی یا دیگر کالاهای لازم برای کشور عضو صادرکننده به کار می‌رود. اگر چه ماده ۱۲ موافقتنامه کشاورزی در انجام چنین اقدامی خاطرنشان می‌کند که اعضا (به جز کشورهای در حال توسعه‌ای که صادرکننده خالص کالای مربوطه نیستند) باید:

الف) بررسی لازم و ضروری درباره تأثیر چنین اقدامی بر امنیت غذایی کشورهای واردکننده عضو انجام دهند.

ب) یک اعلان کتبی به کمیته کشاورزی درباره وضع چنین اقدامی بدهند (بینات، ۱۳۸۱).

۸- تجارت آزاد غیردولتی

ماده ۱۷ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت هر طرف متعاهد را متعهد می‌کند که اگر بنگاهی دولتی را در هر کجا که واقع باشد تأسیس یا حفظ نماید یا به بنگاهی رسماً یا عملاً امتیازات انحصاری یا ویژه عطا نماید، این بنگاه در خرید و فروش‌هایی که متضمن واردات یا صادرات است، باید به گونه‌ای منطبق با اصول کافی غیرتبعیضی مقرر در موافقتنامه عمل نماید. در عین حال بند (ب) این ماده چنین شرکت‌هایی را ملزم به رعایت ملاحظات تجاری کرده و براساس بند (ج) هیچ دولتی نباید مانع از تشکیل و فعالیت بنگاه‌های مشابه در کشور خود گردد. بنابراین می‌توان دریافت که از نظر سازمان تجارت جهانی اصل بر تجارت آزاد غیردولتی است و تجارت دولتی استثنایی بر این اصل محسوب می‌شود (کمیجانی، ۱۳۸۰).

۹- رقابت‌پذیری بنگاه‌های بخش کشاورزی

ایجاد فضای رقابتی در جامعه و ارتقای سطح رقابت‌پذیری ملی، زمینه‌های لازم برای ورود به فرآیند جهانی شدن را فراهم می‌آورد. هر چقدر رقابت‌پذیری کشوری در سطح جهان بالاتر باشد، آن کشور به واسطه دسترسی سهل‌تر به بازارهای خارجی بیشتر منتفع خواهد شد. در حال حاضر رقابت‌پذیری یک موضوع محوری در سطح دنیا شده و از آن به عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار یاد می‌شود. در یک اقتصاد جهانی

شده، رقابت پذیر بودن به معنای امکان به دست آوردن موقعیت مناسب و پایدار در بازارهای بین‌المللی است. به طور کلی، افزایش سطح رقابت پذیری از طریق افزایش بهره‌وری بهتر و مؤثرتر از منابع ارزان می‌باشد (بهکیش، ۱۳۸۱).

۱۰- پایبندی به موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی

هدف این موافقتنامه ایجاد شرایط لازم برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسان‌ها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور به وسیله تبعیض دلخواه یا غیرقابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. این موافقتنامه شامل مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که به اعضاء اطمینان می‌دهد که اقدامات تجاری بهداشتی اتخاذ شده موجه بوده و دربرگیرنده موانع غیرموجه برای تجارت بین‌المللی نیست. این موافقتنامه کشورهای عضو را وادار به تبعیت از استانداردهای واحدی نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کشورها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی خود استانداردهای مناسبی برای حفاظت از بهداشت و حیات انسان و حیوان و نبات به کار گیرند. اما در عین حال از این کشورها می‌خواهد نسبت به رعایت شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب به اعضاء در مورد استانداردها و مقررات فنی خود اقدام نمایند. علاوه بر این از کشورهای عضو درخواست شده برای استانداردهای خود مبنای علمی قابل دفاع در نظر بگیرند. در واقع سؤال مورد نظر آن است که از کجای می‌توان مطمئن شد که غذاهایی که وارد یک کشور شده و به دست مصرف کنندگان می‌رسد از سلامت کافی برخوردار است و از کجای می‌توان مطمئن شد که محدود کردن واردات به بهانه سلامتی مواد غذایی و گیاهی به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی وضع نشده است. موافقتنامه سلامتی مواد غذایی، حیوانات، گیاهان و استانداردها (SPMA, SPS) قوانین مربوطه را روشن می‌سازد. این موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که استانداردهای خود را وضع نمایند اما در عین حال این استانداردها باید علمی باشند و تا حدی وضع شوند که برای سلامت انسان، حیوان و گیاه لازم هستند و نباید بین کشورها تبعیض قائل شوند. کشورهای عضو تشویق شده‌اند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند، با این وجود در صورتی که مایل باشند می‌توانند از اقداماتی که استانداردهای بالاتری را تأمین می‌کند استفاده کنند در صورتی که یک کشور صادرکننده بتواند نشان دهد که اقداماتی که به کار می‌برد برای صادرات دارای همان سطح و استاندارد قابل قبول سلامتی در کشور واردکننده می‌باشد در این صورت انتظار می‌رود که کشور واردکننده استانداردهای کشور صادرکننده را بپذیرد. دولت‌ها باید هرگونه تغییر در مقررات سلامتی و بهداشتی را از قبل اعلام کنند. در موافقتنامه تصریح شده که کشورها مادامی که توجیه و ادله منطقی برای این اقدامات و

استانداردهای حمایتی داشته باشند نمی توان از آنها جلوگیری نمود. همچنین از کشورها خواسته شده که نه تنها از انطباق اقدامات منطقی خود در این زمینه‌ها با مفاد این موافقتنامه اطمینان حاصل کنند، بلکه اقدامات دستگاه‌های غیردولتی نیز باید با این موافقتنامه سازگار باشد (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴).

۱۱- موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ

برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می‌رسانند. این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت‌شکنی نامیده می‌شود به عنوان رویه تجاری غیرمنصفانه‌ای که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادرکننده باشد. این موافقتنامه، قیمت‌شکنی را فی‌نفسه محکوم نمی‌کند و عوارض ضد قیمت‌شکنی نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که محصولی زیر قیمت است، وضع شود. لیکن مقرر می‌دارد که چنانچه پس از تحقیقی که به درخواست کشور واردکننده آغاز شده، احراز شود قیمت‌شکنی صورت گرفته است و میان واردات زیر قیمت و لطمه وارده رابطه علی وجود دارد، آن‌گاه این عوارض می‌تواند وضع شود. در واقع آنتی‌دامپینگ به معنای اعمال تعرفه‌های گمرکی بالاتر بر یک محصول خاص از یک کشور صادرکننده خاص است و به این منظور اعمال می‌شود که قیمت آن را به قیمت متداول (قیمت واقعی که در بازار داخلی آن کشور اعمال می‌شود) نزدیک کند و صدمه وارده به کشور واردکننده را جبران کند. زمانی که قیمت در داخل کشور صادرکننده قابل محاسبه نباشد از قیمتی که به سایر کشورها صادر شده است استفاده می‌شود و یا قیمت از حاصل جمع هزینه‌های تولید صادرکننده و سود نرمال محاسبه می‌شود اقدامات ضد دامپینگ باید حداکثر پس از ۵ سال از زمان اجراء فسخ شود مگر آن که نشان دهند که حذف آن منجر به زیان صنعت داخلی خواهد شد.

اقدامات ضد دامپینگ در مواردی که حاشیه دامپینگ کوچک است (کمتر از ۲٪ تفاوت قیمت صادراتی با قیمت داخلی) باید به سرعت خاتمه یابد، البته شرایط دیگری نیز باید مهیا باشد (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴).

۱۲- موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

این موافقتنامه استفاده از یارانه‌ها را تحت اصولی مشخص تنظیم می‌کند، یارانه‌های ممنوع شده عبارتند از یارانه‌هایی که اهداف صادراتی مشخصی را دنبال می‌کنند و یا تولیدکنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. این نوع یارانه‌ها قدغن شده‌اند چرا که تجارت بین‌المللی را مختل می‌کنند و احتمالاً تجارت سایر کشورها را دچار زیان می‌سازند. با این وجود ممکن است در پروسه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت

جهانی مورد رسیدگی قرار گیرند. اگر کمیته حل اختلاف تشخیص دهد که یارانه مورد نظر ممنوع می‌باشد باید سریعاً حذف شود در غیر این صورت طرف تجاری نیز می‌تواند از اقدامات جبرانی استفاده کند. براساس ماده ۲ موافقتنامه یارانه‌ها توسل به اقدامات جبرانی در مقابل یارانه‌ها تنها زمانی مجاز است که یارانه به یک شرکت و یا گروهی از شرکت‌ها و یا گروهی از کشاورزان به طور خاص اعطاء شده باشد. یارانه‌هایی که به طور خاص اعطاء نشده‌اند یعنی دسترسی به آنها برای همه شرکت‌ها، مقدور باشد در زمره یارانه‌های ممنوع و قابل تعقیب قرار نمی‌گیرند، مگر این که ثابت شود یارانه‌ها عملاً جنبه خاص دارند. همچنین یارانه‌هایی که کمتر از یک درصد ارزش کالا باشد مشمول عوارض جبرانی نیستند. در موافقتنامه یارانه‌ها، یارانه‌های مربوط به تحقیقات صنعتی به معنای جستجوی برنامه‌ریزی شده و یا تحقیقاتی که به منظور کشف دانش جدید انجام می‌شود با این هدف که چنین دانشی بتواند در توسعه محصولات، فرآیندها یا خدمات جدید مفید باشد، همچنین یارانه‌های اعطایی به مناطق محروم یک کشور و یارانه‌های اعطایی جهت نوسازی تسهیلات موجود زیست محیطی نیز در زمره یارانه‌های مجاز می‌باشند.

نتیجه‌گیری

حال در این زمان بعد از ۲۱ بار رد شدن پذیرش عضویت در سازمان تجارت جهانی این مهم اتفاق افتاد. از میان موافقت‌نامه‌های مربوط به سازمان تجارت جهانی یکی از موافقت‌نامه‌هایی که هنوز پس از گذشت چند سال به دلیل حساسیت خاص آن برای کشورهای عضو و رابطه مستقیم آن با امنیت غذایی اجماع و توافقی صورت نگرفته، موافقت‌نامه کشاورزی است که مسیری کاملاً پیچیده را طی خواهد کرد و اکنون که مذاکرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی مطرح است، با یک سری تصمیم‌گیری‌هایی از پیش تعیین شده روبه‌رو خواهیم بود که تا حدودی برای ما محدودکننده و دست و پاگیر تلقی می‌شود. براساس مذاکرات در حال جریان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، قبل از اجلاس ششم وزرا در هنگ‌کنگ امکان اعطای یارانه‌های صادراتی به طور کل منتفی اعلام شد و از سویی دسترسی به بازار و باز کردن بازار داخلی بر روی محصولات کشورهای رقیب با محدودیت‌های بیشتری برای ادامه حمایت از بخش کشاورزی روبه‌رو شد. همچنین، فشار برای کاهش سطح تعرفه‌های تثبیت شده در مقایسه با گذشته افزایش یافت که همین وضعیت در خصوص کاهش تعرفه‌ها و حمایت‌های داخلی از کشاورزان و تولیدکنندگان به صورت یارانه‌های قیمتی و نهاده‌ای شدت گرفته است، ولی تعهدی جهت کاهش تعرفه یارانه صادراتی متوجه بخش کشاورزی ایران نیست زیرا در حال حاضر سطح حمایت داخلی از محصولات کشاورزی صرف نظر از یارانه‌های انرژی کمتر از سقف مجاز استفاده از آن در موافقت‌نامه کشاورزی در اروگوئه است. بدین معنا که کمتر از ۱۰ درصد متوسط ارزش کل تولیدات کشاورزی بوده و از آنجایی که سقف مجاز ۱۰ درصد اعلام شده است، آخرین برآوردها نشان می‌دهد کمتر از ۴ درصد ارزش کل محصولات تولیدی را در

بخش کشاورزی در قبال یارانه به کشاورزان و تولیدکنندگان پرداخت شده است؛ لذا هیچ‌گونه تعهد کاهشی در استفاده از این نوع یارانه‌ها متوجه بخش کشاورزی ایران نخواهد بود. ولی به طور کلی تمامی بخش‌های اقتصادی کشور باید خود را تا جای ممکن با موارد الزام آور هماهنگ نمایند و سیاست تجاری کشاورزی کشور باید ضمن ایجاد راهبردی متوازن برای حفظ حمایت‌های توسعه‌ای و منطقی لازم از تولید محصولات غذایی حساس (استراتژیک)، و استفاده از شیوه‌های اقتصادی تولید از جمله کاهش هزینه‌های تولید، بهبود کیفیت تولیدات، رعایت استانداردهای بین‌المللی، روز آمد نمودن فناوری در فرآیند تولید محصولات کشاورزی و صنایع تکمیلی آن... اهتمام ویژه‌ای به عمل آورد و خود را برای انطباق با قوانین و مقررات مورد نظر در سازمان تجارت جهانی آماده سازد تا مسیر پریچ و خم الحاق را ساده‌تر طی نماییم.

پیشنهادات

- ۱- جایگزینی مواد خام دارای مشخصات تعریف شده در مقابل کالاهای بدون شناسنامه؛ در قوانین نوین محصولات خام کشاورزی در حالی از مرزعه به کارخانجات فرآوری منتقل می‌شوند که دارای مشخصاتی از قبیل شجره، نام، ترکیبات دقیق مواد مغذی مانند انرژی، پروتئین، اسیدهای آمینه، املاح مغذی و غیره باشند؛
- ۲- انجام فرآیند روی محصولات کشاورزی تا حد ممکن به جای فروش محصولات خام فرآوری نشده و همچنین در نظر گرفتن فروش خدمات کشاورزی به جای محصولات کشاورزی به عنوان یک محور اساسی؛
- ۳- حمایت از تجارت مشتری مدار در مقابل روش‌هایی که در آنها سرمایه تعیین‌کننده است. در همه نظام‌های مدیریتی و تولیدی نوین روش تکریم مشتری و جلب رضایت مصرف‌کننده از ارکان مهم شمرده می‌شود؛
- ۴- ترجیح سرمایه‌های نرم‌افزاری به جای دارایی‌های سخت‌افزاری (ساختمان و تجهیزات)، در عصری که بهره‌مندی از فناوری اطلاعات از جمله سرمایه‌های نرم‌افزاری مانند انسان و تشکیلات منسجم و کارآمد، به امکانات سخت‌افزاری ترجیح داده می‌شود؛
- ۵- جایگزینی نظام کنترل و مستمر گردش سرمایه‌ها به جای ارائه مدارکی دال بر اثبات تعلق سرمایه به فرد یا تشکیلات خاص؛
- ۶- محاسبه هزینه‌های مربوط به ارتقای تخصصی کارکنان به عنوان یک مزیت که موجب افزایش درآمد شده و در واقع نوعی سرمایه‌گذاری است تا هزینه؛
- ۷- ایجاد انواع جدیدی از کشاورزی مثلاً کشاورزی قراردادی برای افزایش دانش و تخصص کشاورزان و افزایش قدرت رقابت آنها برای ورود به بازار جهانی؛ به عبارت دیگر ورود به بازار جهانی و ایفای نقش بخش کشاورزی در معادله جهانی شدن منوط به تجدیدنظر در ساختار بخش‌های مختلف تولید و تجارت محصولات کشاورزی است تا رقابتی شده و آمادگی لازم برای

سازگاری با معیارهای جهانی را بیابند؛

۸- دولت خریدهای تضمینی خود را از طریق بورس انجام دهد، زیرا مزیت بازار بخش کشاورزی برای حضور در سازمان تجارت جهانی، بورس کالای کشاورزی است. استاندارد و تضمین معاملات در بورس به نفع هر دو طرف تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌باشد، وجود لایه‌های مضاعف واسطه‌گر از معضلات بسیار مهم بخش کشاورزی است که تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی از آن متضرر می‌شود و بورس کشاورزی راه حل مناسبی برای این معضل می‌باشد. افزایش تولید، کاهش هزینه و بهبود کیفیت از مواردی است که باید به آن توجه کافی شود که با توجه بهینه به بورس کشاورزی این مهم امکان‌پذیر می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- اسفندیاری، ا (۱۳۸۴). «ساختار تجارت جهانی»، ماهنامه تدبیر، سال ۱۶، شماره ۱۵۸.
 - ۲- اسماعیلی، غ. «جهانی شدن یا جهانی سازی»..
 - ۳- امیدبخش، ا و مسعود طارم سری، م (۱۳۷۲). «آشنایی با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)» و بررسی تبعات الحاق ایران به آن، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی.
 - ۴- امیدبخش، ا و بیدآباد، ب (۱۳۷۵) «بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت»، سازمان مدیریت صنعتی، وزارت صنایع.
 - ۵- بخشنده (۱۳۸۴). اعلام مواضع بخش کشاورزی جهت الحاق به «WTO»، روزنامه هموطن.
 - ۶- بیدآباد، ب (۱۳۸۴). «سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران»، سازمان تجارت جهانی.
 - ۷- بهکیش، م (۱۳۸۱). «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، نشر نی.
 - ۸- بینات، ا (۱۳۸۱). «چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی»، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
 - ۹- تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). «نقش سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی (IMF, WB, WTO) در فرایند جهانی شدن و تأثیر آنها بر امنیت اقتصادی و ملی جمهوری اسلامی ایران»، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
 - ۱۰- حسینی، ع (۱۳۸۴). «سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای در قبال ضوابط سازمان جهانی تجارت (WTO)» معاونت بازرگانی اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
 - ۱۱- رئیس دانا، ف (۱۳۸۳). «جهانی‌سازی قتل‌عام اقتصادی»، انتشارات نگاه، تهران.
 - ۱۲- کمیجانی، ا (۱۳۸۰). «مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران»، انتشارات تابان، تهران.
 - ۱۳- مالک، م (۱۳۸۴). «جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت»، انتشارات کانون اندیشه جوان.
- 14- The Uruguay Round(1987). a handbook on the Multilateral Trade Negotiations. Washington, D.C.: World Bank, PP. (162-170).
- 15- Agriculture in a world of comparative advantage(1989). the prospects for farm trade liberalization in the Uruguay Round of GATT negotiations. Harv. Int'l L.J., 30 PP. (123-170).
- 16- Hoekman, B. and K. Anderson (1999). : Developing country agriculture and the new trade agenda. Washington, D.C. : World Bank, (Policy research working papers; WPS2125)
- 17- Hertel, T. and L.A. (2005). Winters (eds.), Putting Development Bank Into the Doha Agenda: Poverty Impacts of a WTO Agreement, Washington DC: World Bank
- 18- Gallen, St and Geneva (2006). oikos Model WTO, June (12-16).